

جنگ شورا، با شورا!

باز در مکران غریب افتاد باز در هم شدن اهل فساد

(بخش دوم)

امیرفیض- حقوقدان

سوال دیگری که از سوی مصاحبه کننده از آقایان پیرنیا و حیدرپور پرچمداران شورای ملی آلمان مطرح شد این است که:

آیا منافع مالی و سیاسی سبب این برخوردها شده است؟

سوال، ناشیانه است. آیا سوال کننده توقع داشته که آقایان طرف پرسش بگویند بله اختلافات مالی سبب این برخوردها و جبهه بندی شده؟

آشکارا معلوم است که در یک فعالیت سیاسی هیچکس قائمه اختلافات را به امور مالی متصل نمیسازد زیرا اساسا اختلاف و منازعات مالی منفرجوامع اخلاقی و سیاسی است و رسم معمول این است که استتار آن بپوشش منافع ملی و حقوق عمومی و چارت سازمانی و امثال آنها انجام میشود؛ کما اینکه آنهایی که در خدمت بیگانه و حقوق بگیر آنها قرار دارند چون این عمل مورد نفرت جامعه هست لذا مقدمین به آن تحت عناوین حمایت کشورهای خارجی از مبارزات آزادیخواهی و حقوق بشر، خیانت خود را پوشش میدهند.

آقای پیرنیا در رابطه باخانی که از ژاپن برای شرکت در اجلاس شورا در پاریس به هزینه شورا! دعوت شده بود پس از تشریح موضوع با حالت گرفته و افسرده گفت: «آن خانم برای ۲،۲۰۰ دلار راه سکوت و همکاری با دست اندرکاران متخلف شورا را برگزید»

قیافه گرفته و نمایشی ایشان و تاکید روی مبلغ مزبور، در ماهیت مفهوم مخالف اظهار ایشان رساگر این بود که اگر آن خانم بجای مبلغ ۲،۲۰۰ دلار یک رقم بزرگی دریافت میکرد جای تاسفی برای آقای پیرنیا نبود و یا لاقدر بخودشان فشار تاسف نمیآوردند که بیننده برنامه هم خودش را شریک تاسف ایشان بداند.

حضور در حوزه مدیریت

در شرکتها و موسسات دولتی و یا غیردولتی و سازمان ها حضور در میدان مغناطیسی مدیریت برای شایدان، بهترین فرصت و مطمئن ترین راه برای سوء استفاده مادی است.

شاهد موضوع - بشقاب یرانی در تورنتو

آگاهید که در همین ماه گذشته یکی از افرادی که خود را در میدان مغناطیسی دفتر سیاسی شورای ثبت نشده پاریس جا انداخته یک میهمانی بشقابی ۵۰۰ دلار ترتیب داد و به اعتبار همان عنوان عضویت در دفتر سیاسی شورا توانست اعلیحضرت و علیاحضرت را هم به قول خودش به میهمانی مزبور بکشاند (نقل از شنیده ها).

طبق برآوردی که یکی از حاضران در آن میهمانی بعمل آورده و آنرا بصورت گزارش پخش کرده حدود ۲۰۰ هزار دلار براساس تعداد حاضرین، درآمد بشقاب انداز بوده است. اما بشقاب انداز گفته است یکاش این میهمانی و بشقاب اندازی را نمی‌کردم حدس می‌زدم که مردم چندان رغبتی به حضور شاهزاده ندارند بهمین دلیل بازحمت زیاد علیاحضرت را هم به تورنتو کشیدم ولی معهذاً نفرات چندان نیامدند و من مبالغی زیان کردم و برای حفظ آبروی شاهزاده با اصرار و خواهش و تمنا از افرادی دعوت کردم که افتخاری در آن میهمانی شرکت کنند که باعث سرافکندگی نشود.

ملاحظه می‌فرمائید که تسلط و موقعیت در مدیریت سازمان ها چه امتیازی است برای کسانی که مترصد فرصت و سوء استفاده میباشند؟ اشتباه نشود فقط موقعیت مالی نیست شهرت، ایجاد اعتبار و شخصیت و مسائل تابعه هم هست.

آن خانم بشقاب انداز، اگر عضو شورا و مطیع خانم نازیلا (لیلا زمانی) گلستان و آقای پیرزاده نبود محال و ممتنع بود که بتواند از نام و اعتبار و موقعیت اعلیحضرت و علیاحضرت چنین استفاده ای بنماید و بعد هم برای مظلوم نمائی و پرده پوشی، کاسه و کوزه را سر آنها بشکند و یک چیزی هم طلبکار بشود اگر به ماجرای مزبور قدری دقیق شویم خواهیم دید که این برنامه تنها زیرچتر دفاع از دموکراسی و حقوق بشر و انتخابات آزاد انجام شده است.

مورد دوم- در همین هنگام که این تحریر منظم میشود به خبری از رویترز رسیدم که ۸/۵ میلیارد دلار از بودجه پنتاگون به هدر رفته و در هیچ دفتری ثبت نشده همان خبرگزاری نوشته که برخی از گزارشات حاکی است که کارمندان و مسئولین از سوی مقامات مافوق، دستور به چنین کاری گرفته اند.

حیف و میل و حسابسازی این ارقام توسط حوزه مغناطیسی مدیریت و فرماندهی گرفته شده نه سربازان عادی ارتش.

مقصود از ارائه نمونه بالا علاوه بر مساعد بودن زمینه مدیریت و تسلط برای سوء استفاده، این حقیقت را هم آشکار میسازد که از ظاهر نمیتوان به ماهیت عمل و قصد عامل آگاه شد؛ در یک سازمان مثلا همین شورای اسمی پاریس افراد عادی فقط یک امضای تجزیه کشور را میدهند و فراموش میشوند ولی اعضای مدیریت آن در مسیر ۵۰۰ هزار دلار کمک های نقدی رسانه ای و کمک های مالی و غیر مالی دولت فرانسه (بنابراظهار آقای پیرزاده) قرار میگیرند به ترازنامه ای که حضرات داده اند نگاه کنید مسیروی شده توام با ابهام و یا سوء استفاده را خواهید دید.

برای استحضار آقای پیرنیا

بعنوان شاهد مطلع، از جریان ۳۵ ساله مبارزه که ناظر دقیق سازمان ها و جبهه ها و گروه های سیاسی بوده ام تا کنون هیچ مورد به غیر از مرافعه و وکیل کشی و حساب سازی که در شورای پاریس و متقابلا در شورای آلمان روی داده ندیده ام، اختلافات بوده بسیار هم بوده به انشعاب هم کشیده ولی این سروصدای مالی را نداشته است، میدانید چرا زیرا در آن سازمان ها از ارقام ۵۰۰ هزار دلار پول و کمک های استتاری دیگر خبری نبوده است.

واقعا اگر شورای به اصطلاح ملی! بایستوانه ۵۰۰ هزار دلار آنهم در مدت کوتاهی به همت رسانه ها خودنما نمیگردید و مانند سازمان های دیگر لخت و عوروار در میدان مبارزه میشد این کشاکش و شورا سازی و حسابرسی که باید منتظر پی آمدهای آن باشیم براه میافتاد؟ آیا آقای پیرنیا نظیر این گرفتاری و جبهه گیری را تاکنون بغیر از مورد اخیر داشته است؟

پس باتفاق آقای پیرنیا و رفیقشان حیدرپور این دوبیتی شیخ بهائی را میخوانیم

تاسگان را وجوه پیدا نیست مشفق و مهربان یکدیگرند

لقمه ای در میان شان انداز تا تهیگاه یکدیگر به درند

آنهم چه لقمه ۵۰۰ هزار دلاری.

مبارزه سیاسی در جنگ شوراها منتفی است

در توضیح بالا ماهیت قصد اختلافات و درگیری ها و تلاش هریک از شورا ها برای کشیدن عروسک زیور (شورا) نشان داده شد که ریشه و علت آن مالی است نه سیاسی اکنون در مختصر زیر به اثبات خواهد رسید که اساسا موضوع مبارزه سیاسی شورای به اصطلاح ملی!! اعم از ثبت نشده و یا آنکه ثبت شده (به ادعای آقایان مصاحبه شونده) منتفی است.

سَمَت این قسمت از تحریر متوجه اثبات آشکار ساختن این حقیقت است که موضوع و هدف شورای به اصطلاح ملی!!، مختومه بهاست و موضوع مختومه، یعنی چیزی که از وضعیت خارج و از حیز انتفاع ساقط شده و کار آرائی اش از دست رفته نمیتواند هدف و موضوع شورا باشد.

بهنتر است از یک مثال کمک گرفته شود.

یکی از شرائط ایجاد شخصیت حقوقی مانند شرکتها و موسسات مانند همین شورای ملی معلوم و مشخص بودن موضوع شخصیت حقوقی است. موضوع میتواند شمولی عام داشته باشد مانند اینکه گفته شود حمایت از حقوق بشرویا در شرکتهای تجاری گفته شود < کلیه عملیات تجاری و صنعتی >

وقتی موضوع شخصیت حقوقی و یا شرکت تجاری موضوع خاص باشد فعالیت و علت وجودی شخصیت حقوقی اعم از سازمان و یا شرکت محدود به همان موضوع است مانند اینکه موضوع شرکتی < مشارکت در مناقصه دولتی راه سازی شماره > و انجام آن < در این حالت اگر دولت از انجام آن پروژه منصرف

شد و یا شخصا آنرا انجام داد و یا شرکت مزبور در مناقصه برنده نشد موضوع شرکت منتفی و از وضعیت انتفاع خارج شده است و شرکت میشود بدون موضوع و شرکت بدون موضوع هم شرکت نیست.

اکنون تطبیق موضوع با شورای باصطلاح ملی

هدف و موضوع شورای باصطلاح ملی! اعم از پاریس و آلمان (سه) ۳ آرتیکل است که در قطعنامه آنها مقرر شده؛ یکی تجزیه کشور و دیگری انتخابات آزاد و سومی حقوق بشر است که سومی چون اعلامیه جهانی حقوق بشر است هدف محسوب نمیشود.

میتوان گفت که **خواسته تجزیه کشور در ماهیت اعلام رضایت و موافقت است نه هدف**. زیرا هدف و موضوع باید از منشاء قانون باشد و چون تجزیه کشور مبنای قانونی ندارد لذا صورت پیشنهاد و اعلام رضایت را دارد.

ولی آزادی انتخابات چون از منشاء قانونی است (قانون انتخابات جمهوری اسلامی و بین المجالس) لذا ماهیت هدف و موضوع را دارد.

هدف و موضوع شورا که انتخابات آزاد است متوجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ بوده است نه انتخابات مثلا سالهای آتی؛ دلیلش هم این است که شورا بموازات نزدیک با انتخابات سال ۹۲ تشکیل شده است و اعلیحضرت هم علت وجودی آنرا نزدیک بودن انتخابات اعلام فرمودند (مصاحبه کیهان لندن).

برای اینکه مطمئن شویم که موضوع شورا فقط انتخابات آزاد بوده کافی است به تاکیدات مکرر اعلیحضرت؛ «کارشورا با آزادی انتخابات و رفتن مردم پای صندوق رای خاتمه خواهد یافت» توجه شود.

انتخابات سال ۹۲ برخلاف انتظار و سابقه انتخابات گذشته که به اعتبار آزاد نبودن آنها شورای باصطلاح ملی! تشکیل شد انتخابات سال ۹۲ برطبق قانون انتخابات بصورت مقبول جریان یافت و بنابر اظهار خبرگزاریها که دقیقا مترصد کم و کیف انتخابات بودند انتخابات بصورت آزاد انجام گردید، و مورد تانید کشورهای ناظر جریان ایران قرار گرفت، حتی هیچ گروه و یا حزبی انتخابات را تحریم نکرد حتی شورای باصطلاح ملی! هم که قبلا علم تحریم انتخابات را افراشته بود براه مشارکت در انتخابات رفت و هیچ شکایتی هم از نحوه اجرای رای گیری و شمارش بعمل نیامد.

قبل از انجام انتخابات هم خامنه ای یعنی سیدعلی که **از نظر شورای باصطلاح ملی! رهبر جمهوری اسلامی است**؛ درسخرانی خود سنگ تمام به حمایت از انتخابات آزاد را گذاشت و گفت: «انتخابات مال مردم است و نتیجه آن براساس تشخیص ملت رقم میخورد. انتخابات برای این است که در صندوق های رای معلوم شود که مردم چه میخواهند نه در کف خیابانها - قانون فصل الخطاب است. راه قانون راه محبت و صفاست - من به قانون و اجرای آن احترام میگذارم.....»

واژه صندوق های رای خیلی بازیافته از تاکیدات اعلیحضرت در رابطه با هدف و موضوع شورای باصطلاح ملی! است که در این اواخر تکیه گاه فرمایشاتشان بر صندوق رای استوار بوده است، و عبارت «امروز یک لحظه حساس تاریخی برای کشور است و نگاهی به وضع دنیا، خاورمیانه و کشورهای همسایه

و همچنین وضع اقتصادی جهان ثابت میکند که در نقطه تاریخی قرار داریم در همان صحبت های خامنه ای شباهت تامه ای با بیانات اعلیحضرت وسایر مدعیان رهبری مبارزه دارد.

(کیهان شماره ۱۲۶۲)

این قرائن آورده شد تا نشانگر آن باشد که آزادی نسبی و غیرقابل انتظار انتخابات سال ۱۳۹۲ بپیش زمینه هائی جریان یافته، یعنی جمهوری اسلامی بهر تقدیر یا در اثر التیماتوم!! شورای به اصطلاح ملی! دست به انتخابات آزاد زده و یا رعایت سیاست آمریکا بهر حال با انجام انتخابات آزاد از سوی رهبر جمهوری اسلامی! موضوع و هدف شورای با اصطلاح ملی انجام گرفته و در نتیجه شورای به اصطلاح ملی! به موفقیت و هدف از تشکیل خود رسیده است و با رفتن مردم به صندوق رای همانطور که بانی شورا بارها متذکر شده اند کارشورا تمام و مسلوب الموضوع شده است.^۱

یادمان هست که شورای به اصطلاح ملی! التیماتومی به رهبر جمهوری اسلامی! نوشت با دو موضع یکی اینکه انتخابات را متوقف کند و دیگری اینکه خامنه ای به شورای به اصطلاح ملی! به پیوندد.

معلوم است که علت درخواست شورا به توقف انتخابات، فرض آزاد نبودن انتخابات بوده است که خامنه ای بجای قبول فوری و توقف انتخابات، به آزاد بودن انتخابات دست زد و البته مناعت طبع! خانم نازیلا و آقای پیرزاده اجازه نداد که این موفقیت و پیروزی بزرگ شورا و رابطه آنرا با التیماتوم خودشان مطرح کنند.

فاز دوم التیماتوم شورا پیوستن خامنه ای به شورا بود که میتوان گفت اگر خامنه ای در قبول این قسمت التیماتوم تاکنون کوتاهی کرده قصدش سرکشی نیست بلکه چون ناظر هرج و مرج و بلبشوی شورا است قدری تاخیر لازم شده که پس از پایان جنگ شوراها ایشان با عذر خواهی از تاخیر در تقاضای عضویت استدعای قبول عضویت بنمایند!

بنابراین به ملاحظه واقعیت حقوقی مستند به قانون مدنی که عرض و ارائه دلیل شد موضوع و هدف شورای به اصطلاح ملی! از طرف جمهوری اسلامی انجام شده (همانند مناقصه دولتی که مورد مناقصه از طرف خود دولت انجام گردیده) و دیگر موضوعی باقی نیست که شورای با اصطلاح ملی! در تعقیب انجام آن باشد و شورا مسلوب الموضوع گردیده است.

موضوع دیگر – جرایم متوجه شاهزاده

همسخنی و هم منبری آقایان پیرنیا و حیدرپور در این مصاحبه نشان میداد که آقای پیرنیا بهترین همراه را در آن مصاحبه انتخاب کرده اند، هردوی آقایان تائید کننده حرف های یکدیگر بودند، تنها در مورد شاهزاده (بقول خودشان) اختلاف عقیده داشتند؛ آقای حیدرپور قائل به موقعیت خاص و یا طرفدارانی برای شاهزاده

^۱ - آیا می توان گفت و مدعی شده نامه شناخت سید علی خامنه ای به عنوان «رهبر» و دادن امتیاز به خامنه ای از سوی شورای به اصطلاح ملی در ارتباط با همین نکته ظریف بوده است؟؟ گویا همینطور بوده است؛ زیرا که سید علی در نطقی اعلام کرد در سی و چهار سال گذشته کی انتخابات در ایران آزاد نبود؟؟ و امتیاز یک سال را از تصدق سر شورای به اصطلاح ملی! به همه انتخابات دیگر سرایت داد. ح-ک

نبود و برعکس با آنکه آقای پیرنیا هم در همان سطح فکر و برداشت حیدرپور خودش را نشان میداد ولی یک سری توقعات عجیب از اعلیحضرت داشت؛ از قبیل:

شاهزاده اجازه بدهید ایران را نجات بدهیم - شاهزاده باید لااقل ۵ وکیل حقوقی داشته باشد - چرا شاهزاده یاشار را تانید میکند - چرا شاهزاده مارا نمی پذیرند ووووو

آن ردیف توقعات آقای پیرنیا که بعضا با واژه چرا آغاز شده است درحقیقت یک استیضاح و توقع است ولی اینکه ایشان اجازه نجات ایران را از اعلیحضرت خواسته اند نشانگر قید در عمل و اقدام نجات ایران از طرف آقای پیرنیا ست و رساگر این معنا میباشد که تنها چیزی که مانع نجات ایران توسط آقای پیرنیا و دوستانشان است اجازه شاهزاده است که ایشان اجازه نمیدهند و در نهایت بقای جمهوری اسلامی فقط ناشی از کوتاهی اعلیحضرت از اجازه به آقای پیرنیاست.

عین عبارت مزبور را در اظهارات سرتیپ اقضا و سرلشگر روحانی بکرات شنیده ام که در همان زمان هم خطاب به آقای سرتیپ اقضا نوشتم که نجات ایران نیاز به اجازه هیچکس ندارد و درثانی شما که قائل به موقعیت و مقام اعلیحضرت و تکالیف قانونی ایشان نیستند چرا بهانه اجازه راساز میکنید چه تفاوتی بین ایشان و یک فرد عادی ایرانی در خارج از کشور وجود دارد که شما از بین سه میلیون ایرانی فقط اجازه ایشان را میخواهید.

آقای پیرنیا و پامنبری ایشان مهرداد حیدر پور که مدعی شد شاهزاده هیچ طرفداری ندارد.

توقع و همچنین استیضاح نیاز به یک رابطه حقوقی دارد که حرکت توقع و یا استیضاح را پوشش قانونی بدهد، شما که خودتان را قانونمند میدانید بفرمائید رابطه حقوقی شما و بقول خودتان با شاهزاده چیست که این توقعات را دارید مگر هر ایرانی در خارج از کشور ۵ وکیل حقوقی دارد؟ مگر هر ایرانی برای تانید دیگران و یا ملاقات با کسان باید از شما اجازه بگیرد؟

چرا سرکار به شکار ایشان نشسته اید ایشان بنا بر گفته خودشان و شما و هم منبری شما یک فرد ایرانی هستند در ایشان چه چیزی وجود دارد که شما را مجذوب ساخته که مانده اید و میدانید که بدون حمایت ایشان کلا هتان عقب و آبرویتان زیر پا است. شما در صحبت هایتان چند بار نام شخصی را آوردید که دست شاهزاده را در دست نمایندگان پارلمان ارویا گذاشت. خوب جراهمان آقا را با آن موقعیت که نقش برترینی بر شاهزاده داشته شکار نمیکنید؟

شما گنج و در دریای ادعا افتاده اید هم خدارا میخواهید و هم خرما را، هم میخواهید از اعتبار و شخصیت و پایگاه تاریخی و نمادی اعلیحضرت استفاده کنید، و هم همصدا با طرح هنری برشت آمریکائی سلطنت را برای همیشه در ایران مدفون سازید، شما تنها نیستید به اطرافتان نگاه کنید هر که رامی بینید در همین راه و نسخه هنری برشت آمریکائی است.

به امید ادامه این تحریر